

در جستجوی پدر و مادر داعش



کورش عرفانی

منبع: رادیو زمانه با اندک ویراست

• دیدگاه



پدیده «داعش» یا آن چه به عنوان «خلافت اسلامی» یا «حکومت اسلامی» معرفی می شود ظهوری ناگهانی و تاثیرگذار داشت. بسیاری از معادلات خاورمیانه به واسطه عملکرد این تشکیلات در حال تغییر است. از زمان تصرف عراق توسط آمریکا در سال ۲۰۰۳ گروه‌های سیاسی-نظامی ریز و درشت زیادی شکل گرفته بودند اما هیچ‌کدام گستره و نفوذ داعش را نیافتند.

این تفاوت از کجا ناشی می‌شود؟ دلیل موفقیت بی‌سابقه این گروه چیست؟ قدرت این جریان از چه و از کجا ناشی می‌شود؟ آیا این یک جریان خودجوش است و یا حمایت‌ها و برنامه ریزی‌های بیرون از خود دارد؟ نوشتار حاضر به این گونه پرسش‌ها می‌پردازد.



پدیده‌ها را به طور عام از دو طریق می‌توان شناخت: یکی با مراجعه به ذات و ساختار آنها و دیگری با پرداختن به عوارض و کارکردهای آن. در مورد داعش می‌توان هر دو را انجام داد. در اینجا، دومین بیش از نخستین، به درک ماهیت این پدیده یاری می‌رساند.

برخی بر این باورند که داعش زاده و پرداخته کشورهایمانند آمریکا و اسرائیل است. به طور مثال نشریه «[آمریکن فری پرس](#)» در مقاله‌ای در اوت سال ۲۰۱۴ با استناد به یک میلیون و ۷۵۰ هزار صفحه اسناد منتشر شده توسط «ادوارد اسنودن» اعلام کرد که داعش محصول مشترک «سازمان سیا، موساد اسرائیل و MI6 بریتانیا» است. این مقاله با اتکاء به اسناد فوق «ابوبکر البغدادی» رهبر کنونی داعش را به عنوان «الیوت شیمون» و از پدر و مادر یهودی شناسایی می‌کند و به دیدارهای مکرر سناتور «جان مک کین» با شیمون در خاک سوریه اشاره دارد.

در این مقاله و با استناد به مدارک منتشر شده اسنودن، عنوان می‌شود که این سه سازمان اطلاعاتی بر آن شدند تا در راستای طرحی با نام «لانه زنبور سرخ» با ایجاد جریانی مثل داعش، رادیکالیسم اسلامی پراکنده منطقه و بین‌المللی را متمرکز کرده و تحت اختیار خود بگیرند. هدف مشخص این طرح، افزایش امنیت اسرائیل ذکر و عنوان شده که «تنها راه برای حفاظت دولت یهود، ایجاد یک دشمن در نزدیکی مرزهایش» است.

مورد دیگر سخنان ژنرال آمریکایی «[وستلی کلارک](#)» فرمانده سابق نیروهای مسلح مشترک ناتوست. او در مارس ۲۰۱۵ در مصاحبه با [شبکه سی‌ان‌ان](#) اظهار داشت که داعش توسط کشورهای متحد آمریکا در منطقه مورد حمایت قرار گرفته تا بتواند با نیروی حزب‌الله مقابله کند. در یک مورد دیگر [گزارش‌های](#) صلیبانبان سازمان ملل مستقر در منطقه، آشکار ساخت که از ماه مه ۲۰۱۳ تماس‌های مستقیمی میان نفرات داعش و ارتش اسرائیل در مرزهای سوریه و این کشور برقرار بوده است. بر مبنای این گزارش اسرائیل کمک‌های پزشکی به نفرات مجروح داعش داده است.

[گزارش](#) دیگری از قول مقامات نظامی سوریه، حکایت از آن داشت که در زمان مقابله نیروهای متحد سوریه و حزب‌الله به نیروهای داعش، هواپیماهای اسرائیلی به مواضع آنها حمله کرده و برخی از پاسداران و فرماندهان حزب‌الله در آن حمله کشته شدند.

در یک [مورد دیگر](#) یک افسر ارتش آزاد سوریه که توسط جبهه النصره دستگیر شده بود، اعتراف کرده که علاوه بر خدمات درمانی، شاهد تحویل اسلحه و مهمات از طرف اسرائیل به نیروهای داعش بوده است.

نمونه‌های مبتنی بر ارتباط مستقیم داعش با اسرائیل کم نیستند. از همکاری سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و بریتانیا نیز نمونه‌هایی موجود است. [روزنامه گاردین](#) در مطلبی در سوم ژوئن ۲۰۱۵ می‌نویسد، جلسه دادگاه یک سوئدی اسلام‌گرا، به نام «برلین ژیلدو» در لندن به افتضاح و تمسخر کشیده شد. موضوع به این قرار بود که بر اساس اظهارات و شواهد متهم، دادگاه می‌خواست او را به خاطر حمایت از تشکیلاتی محکوم کند که از سرویس‌های اطلاعاتی بریتانیا کمک دریافت می‌کند. دادستان برای حفظ آبروی سرویس اطلاعاتی، پرونده را مختومه اعلام کرد. همین گزارش از انتقال حجم قابل توجهی از سلاح‌های پیشرفته و مهمات از انبارهای تسلیحاتی لیبی به سوی سوریه در سال ۲۰۱۲ و پس از سقوط قذافی [خبر](#) می‌دهد.

در [سند](#) تازه منتشر شده‌ای از سال ۲۰۱۲ شاهد هستیم که آمریکا به طور مشخص از سال ۲۰۱۲ شاهد شکل‌گیری یک جریان تروریستی و رادیکال سلفی در عراق و سوریه بوده است. این گزارش حمایت برخی از کشورهای منطقه از این جریان را به خوبی بیان می‌کند. همان سند به اهمیت این جریان اشاره کرده و آن را ابزاری برای مهار «عمق راهبردی تشیع» در عراق و سوریه قلمداد می‌کند. این مورد ما را به شناخت علت‌های وجودی جریان داعش هدایت می‌کند.

شناخت کارکردی داعش

عملکرد داعش در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا می‌تواند شاخصی باشد برای دریافتن این نکته که این نیرو چرا و توسط چه کسانی ساخته و پرداخته شده است. با نگاهی به برخی از کارکردهای مهم عملکرد فعلی یا آینده داعش می‌توان دریافت که چه قدرت‌هایی در سطح منطقه و یا در سطح جهانی برندگان اصلی ظهور و حضور و گسترش چنین جریانی هستند.



مناطقى که داعش در آنها حضور دارد یا مدعى نفوذ در آنهاست.

- بیش از نیمی از خاک سوریه در اختیار داعش است و پیشروی این نیرو ادامه دارد. با سقوط هر چه محتمل‌تر بشار اسد بدهی است که کار تقسیم این کشور آغاز می‌شود و داعش صاحب بخش مهمی از آن خواهد شد.

- به همین ترتیب یک سوم خاک عراق در اختیار داعش قرار دارد و نیروهایش در حال تدارک برای حرکت به سوی بغداد هستند. امری که اگر روی دهد می‌تواند تجزیه عراق به سه کشور کردستان، جمهوری شیعه جنوب و بخش سنی خلافت اسلامی را با خود داشته باشد.

- در لیبی داعش با تصرف بندر مهمی در منطقه سرت، امکان تدارک نیروها در منطقه را فراهم کرده و با تقویت خویش در این کشور، به سوی مناطق و شهرهای مهم دیگر لیبی خواهد رفت.

- با تصرف بخش مهمی از این کشور داعش می‌تواند مصر را درگیر نبردی طولانی کرده و آن را برای سال‌ها به خود مشغول سازد.

- حضور داعش در سوریه پای آن را به سوی لبنان خواهد گشود و جنگی را برای نابودسازی حزب‌الله لبنان آغاز خواهد کرد که سخت و خونین اما کوتاه مدت خواهد بود؛ زیرا در آغاز این جنگ، حزب الله در جنوب لبنان با هجوم اسرائیل مواجه خواهد شد.

- حضور داعش در مناطق اشغالی فلسطین و به ویژه در نوار غزه، شرایط و بهانه برای بمباران آن توسط اسرائیلی‌ها و یا حتی اشغال مجدد آن را فراهم کرده و کارتخلیه فلسطینی‌ها برای اشغال و ضمیمه‌سازی این منطقه آغاز خواهد شد. [خبر](#) مربوط به شلیک چند موشک از سوی یک گروه سلفی «وابسته به داعش» از نوار غزه شاید آغاز قابل پیش‌بینی این ماجرا باشد. در این باره هم چنین می‌توان به صحبت‌های «بنیامین نتانیاهو» اشاره کرد که در مخالف با تشکیل کشور مستقل فلسطینی گفته بود «از این نگران هستیم که در کشور آنها نیروهایی مثل داعش رشد کنند!»

- حرکت نیروهای داعش به سوی مرزهای ایران پس از تار و مار کردن نیروهای شیعه عراقی تحت امر ایران می‌تواند تهران را با یک جنگ دراز مدت منطقه‌ای در مرزهای غربی خود درگیر سازد.

درکنار این لیست باید به پتانسیل قوی جریان داعش در یمن، عربستان سعودی، افغانستان، پاکستان و توان در دسر آفرینی برای ترکیه در مرزهای سوریه اشاره کرد. این‌ها بخش‌های بعدی و آینده سناریوی جریان داعش هستند.

موارد فوق در ورای این کارکرد است که بخش بزرگی از نیروهای اسلام‌گرای رادیکال مستقر در اروپا که به طور عمده از خانواده‌های مهاجران کشورهای اسلامی به این قاره هستند، در حال تخلیه شهرهای اروپایی و تمرکز در خاورمیانه هستند.

سودهای گفته و ناگفته داعش

جریان داعش، یک جریان غیر طبیعی در بستری طبیعی است. بستر طبیعی همانا عراق اشغال شده و از هم پاشیده و سوریه درگیر جنگ داخلی، و جریان غیر طبیعی اراده کشورهای است که از کارکردهای بر شمرده داعش سود می‌برند. داعش ماشین شخم‌زدن به زمین خاورمیانه است تا از دل آن یک خاورمیانه بزرگتر بیرون آید؛ با مرزهایی جدید، کشورهای کوچک تازه، دولت‌های کلنگی بی‌شمار و بی‌ثبات و یک اسرائیل بزرگ و باثبات.

ویژگی ماشین جنگی داعش برای غرب و متحدان منطقه‌ای آن، هزینه کم و سود فراوان آن است. مهم‌ترین هزینه مادی و انسانی داعش، نیروی نظامی است که از میان جوانان بی‌هدف و بدون آینده اروپا، آسیای مرکزی، خاورمیانه و خاور نزدیک و شمال آفریقا تامین می‌شود. سود آن مستقیم به جیب کنسرن‌های تسلیحاتی می‌رود، کمپانی‌های بزرگ نفتی می‌توانند نفت ارزان از دولت‌های فقیر و کوچک منطقه بخرند، سازمان‌های اطلاعاتی می‌توانند خطر رشد خودجوش اسلام رادیکال را به حداقل برسانند، دولت‌های غربی می‌توانند آزادی‌های شهروندان خود را به بهانه حفظ امنیت آنها در مقابل «تروریسم اسلامی» کاهش داده و خطرهای اجتماعی و طبقاتی را خنثی سازند، ایالات متحده می‌تواند نیروها و تمرکز نظامی خود را به جای خاورمیانه در حال خشکی و بی‌آبی و جنگ، به سمت آسیای جنوب شرقی ببرد و خود را آماده رویارویی مهم با چین کند و از سوئی نیز به مهار قدرت روسیه در اروپای شرقی و مرکزی اقدام کند و اسرائیل هم، سرانجام طرح اسرائیل بزرگ را به مرحله اجرا بگذارد.

نتیجه‌گیری

پس، داعش و کارکردهای آن هم برای سرمایه‌داری جهانی سودمند و محرک اقتصاد است و هم برای منظورهای مشخص منطقه‌ای به کار می‌آید. یادآور شویم که سرنوشت رژیم جمهوری اسلامی نیز در این راستا تعیین خواهد شد و بهانه لازم برای این کار پرونده اتمی آن خواهد بود.

خاورمیانه دیگر جایی برای رژیم ایران نیست، بلکه قدرت‌های نوظهور مسئولیتی را که ایران برای نظام جهانی ایفاء می‌کرد بر عهده خواهند گرفت. زمان بازنشستگی قاسم سلیمانی و سایر فرماندهان نیروی قدس رسیده است. آنها از لبنان و سوریه و عراق بیرون رانده شده و باید به نگرانی از مرزهای خود در مقابل ماشین جنگی داعش و یا دولت‌های نوظهور دیگر در غرب و شمال غرب ایران بسنده کنند.

داعش شاید پربرکت‌ترین «دشمن» برای آمریکا، اسرائیل، بریتانیا و متحدانش بوده است. سوریه، لبنان، عراق، ایران، مصر، پاکستان، لیبی و ... یکی بعد از دیگری و به فراخور شرایط، مناطق مورد نظر «نظم جهانی» در چارچوب «[جنگ بی‌پایان](#)» خواهند شد.

تنوری نوظهور «جنگ بی‌پایان» نوعی از تنفس مصنوعی اما مداوم، برای سرمایه‌داری جهانی در شرایطی است که این نظام از رونق و تداوم سودزایی خود بر اساس فرایندهای متداول اقتصادی مانند رقابت، عرضه، تقاضا و دست‌نمائی حاکم بر بازارهای ملی و جهانی سخت ناامید است و پویایی نظامی مصنوعی را برای فعال نگه داشتن بخش حیاتی صنایع تسلیحاتی خود لازم می‌بیند. جنگ‌های نیابتی در واقع ابزارهای اجرایی نظریه «جنگ بی‌پایان» و جریان‌هایی مانند داعش بازیگران و مجریان آن هستند.